

www.ketab.ir

رعنا

سرسناسه	:	حاجی زاده، محمد، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور	:	عنا، زخم، نمک/محمد حاجی زاده.
مشخصات نشر	:	تهران: چاپ و دران، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۹۶ ص: ۲۱/۵۰، ۲۵۰ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۶۶۸۱۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	شعر فارسی - - قرن ۱۴
موضوع	:	persian poetry --20th century
رده بندی کنگره	:	PIR ۸۰۱۳
رده بندی دیویی	:	۸۱۶۲/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۳۰۵۶۲۰

انتشارات جامه‌دران

کلیه حقوق این اثر متعلق به انتشارات جامه‌دران می‌باشد. استفاده از تمام یا بخشی از اثر به هر شکل و هرگونه انتشار بدون اجازه کتبی از ناشر ممنوع می‌باشد.

رعنا... و خیم... محمد

محمد حاجی‌زاده

چاپ اول ۱۴۰۰، شابک ۹۶۶۸۸۲-۹۶۲۲-۹۷۸
حروفچینی و صفحه‌آرایی نشر جامه‌دران، چاپ متن پیام،
چاپ جلد دیگر، صحافی نوین تهران ۱۰۰۰ نسخه
قیمت ۴۰۰۰۰ تومان

www.jamehdaran.com - info@jamehdaran.com

تلفن: ۸۸۹۱۲۴۰۰-۶۶۴۹۳۷۶۳-۶۶۹۵۳۰۵۷-۶۶۴۹۹۵۵۰

فکس: ۶۶۴۹۲۵۶۴

تهران خیابان انقلاب خیابان ابوریحان نرسیده لبافی‌نژاد بن

بست اول پلاک ۲

فهرست

۳۸	صبحدم	۷	پیش درآمد
۳۹	خواب ۲	۱۰	دیو بگریز
۴۱	عاقبت پروانه	۱۳	من عاطفهام
۴۲	زخم و نمک	۱۴	زخم آئینه
۴۳	شکوفایی عشق	۱۵	گمشده
۴۵	اندازه	۱۹	خواب ۱
۴۶	سفر	۲۰	مثله
۴۷	عابر ساز زن	۲۱	پوریا جان بزم
۴۹	تنهایی	۲۳	به ندا آقا سلطان
۵۰	شکایت	۲۵	پنجره‌ها
۵۱	اگر آمد بهارا	۲۶	مزه ماه
۵۳	امروزی‌ها	۲۷	باغ گلی
۵۴	قاصدک	۲۸	واژه‌های بی طرف
۵۵	کودکی	۲۹	نمی‌دانستم
۵۷	نماز	۳۰	بیچاره کبوترها
۵۸	دست‌هایم کوتاه!	۳۱	رعا
۵۹	حاصل سنگ	۳۳	پائیزیان
۶۰	زخم دگر	۳۵	دیدی!
۶۱	کرمان	۳۶	ای خاک
۶۵	جوجه‌های باقرقره	۳۷	از خودم رفتم

پیش درآمد

«رعنا! دومین دفتر شعر من است که به شما تقدیم می‌شود
بر این امیدم که نه شرمنده‌ی روی شما باشم و نه شرمنده قلم
خود.

قضاوت با شماست، امیدوارم این مجموعه نشانگر آن باشد که
چگونه به شعر می‌اندیشم، دیدگاه من نسبت به شعر چیست؟ و
مطالعه و مرور آن بتواند شعر را از زاویه نگاه من معنا کند.

اگر چه در مورد شعر تا به امروز صدها تعریف و تفسیر ارائه شده
است اما از دل اینهمه تعریف و تفسیر به این نتیجه می‌توان رسید
که تکلیف شعر را واژه‌ها تعیین می‌کنند، واژه‌ها باید از جایگاه
صامت و ساکت خود حرکت کرده و به طرف کمال و جلال و
سرفرازی بروند، نقش عادی و عامی واژه باید عوض بشود (البته
این اظهار نظر نسبی است و الا اگر واژه به صورت مطلق: صامت و
ساکت باشد که گنگ است و مُرده را می‌ماند) مراد این می‌باشد که
واژه باید از حالت و صورتی که در نثر دارد خارج شود و به عزت
برسد، باید از سکون و رخوت رها شده و حرکت کند، باید مثل
سرباز صفحه شطرنج، قدرت و شوکتی پیدا کند که شاه را بزند،
فیل را بکشد و بگوید: کیش! و بهتر است که بگوید: کیش! و
مات!

اگر واژه‌ها در سروده‌ای چنین ارجمند شدند! سروده به هر حالت

و فرمی که باشد شعر است! حتی اگر شکل نوشته و سروده کاملاً شبیه به نثر باشد، پس می‌توانم شعر را این گونه معنا کنم: «به مجموعه‌ای از واژه‌ها، که در این مجموعه، واژه‌ها به عزّت و اعتبار رسیده باشند، شعر گویند».

سرنوشت شعر! سطحی بودن و یا عمقی بودن شعر! خوب یا بد بودن شعر! بستگی دارد به نقشی که واژه‌ها در شعر دارند، بستگی دارد به اینکه واژه‌ها در جای مناسب خودشان بنشینند، بستگی به این دارد: واژه در جایی که نشسته چقدر قدرت مانور داشته باشد؟ بستگی به این دارد که شاعر بیندیشد آیا منصب و مقامی که به واژه داده با ارزش‌تر از منصب و مقام این واژه در نثر و در زبان محاوره‌ی مردم عادی است؟ یا نه! همان است که بوده. اگر پاسخ این است که: «واژه، با شرف‌تر! با ارزش‌تر! و با اعتبارتر شده» راه رفته، درست می‌باشد و در غیر این صورت، شاعر باید از خیر این سروده بگذرد که در هر شکل و فرمی که باشد شعر نیست، اگر در قالب سنتی است، نظم است! و اگر دو شکل و شمایل شعر امروز، نثر! و گاه نظم.

«شعر! آن سرده لطیف، زیبا، فاخر، دلچسب، سکرآور و دگرگون کننده است که وقتی از کنار گوشت رد می‌شود لذت آن را در دل و جانّت حس بکنی، یا اگر از برابر چشمّت می‌گذرد، ردّ پایش را دنبال بکنی که گمش نکنی.

طراوت، شیرینی و نوازش شعر باید مثل نسیم

گونه‌هایت را بنوازد و اگر شاعر سرت داد می‌زند، نعره
و فریاد او باید از جا بلندت بکند، باید مثل توفان تو را
بتکاند، دلداری و همراهیش با تو چنان صمیمی باید
که دست‌هایت، دستان او را لمس بکند.

و کلام آخر این که:
باید از دوست با اندیشه و شاعرم اکبر اکسیر!
که بازخوانی و مرور این مجموعه را پذیرا شدند
سپاسگزاری نمایم.

www.ketab.ir